



بسم الله الرحمن الرحيم

تأثيرات علوم	۲
مرور بحث سابق	۲
تأثيرات علوم بر نگرش و صفات افراد	۲
تفاوت و ابعاد آثار	۲
آثار وقایع اجتماعی	۳
تأثير علوم بر ایجاد وظایف	۳
جمع بندی	Error! Bookmark not defined.
تأثير زمان و مکان بر اجتهاد	۴
مراد از زمان و مکان در این مقام	۴
مخرجات از بحث	۵
نقش این دو در قبال متعلق و موضوع احکام	۵
تأثير در قبال نسخ و جعل شرایع	۵



تأثیرات علوم

مرور بحث سابق

در مقدمه نهم و دهم در قبال تأثیرات مثبت و منفی احوالات و عوامل اجتماعی بحث شد. دو مسأله دیگر باقی مانده است که در دو مقدمه دیگر باید بدان پرداخته شود. مقدمه یازدهم اشاره به مطلبی است که در جای دیگر نیز بدان اشاره شده است.

تأثیرات علوم بر نگرش و صفات افراد

همان طور که روحیات و صفات و عوامل اجتماعی می تواند ذی اثر در حوزه دانش باشد، ارتباط با مقولات علمی می تواند جان بینی، نگرش و روحیات خاصی در فرد ایجاد کند. در این زمینه در کلمات امثال غزالی در احیاء العلوم این بیان وجود دارد. اما در بحث های جدید دنیای امروز هرچند فحص خاصی نداشتیم ولی به سر نخ خاصی نرسیدیم. البته روان شناسی علم وجود داشت که به عکس این حالت می پرداخت.

تفاوت و ابعاد آثار

این حالت چه در علوم انسانی و چه علوم امروزی وجود دارد که هر علم تأثیرات خاص خود را بر صاحبان آن دارد که اثرات آن در حوزه جهان بینی و نگرش فرد متفاوت خواهد بود.

اما میزان این تأثیرات تا چه حدودی است، نیازمند به تحقیق است؛ همچنان که مشاهده می شود ویژگی های افراد همراه با علوم عقلی با نقلی متفاوت است و افراد دارای حساسیت های متفاوتی هستند. البته این مطلب در روان شناسی حرف و مشاغل تا حدودی بحث شده است که کاملاً واضح است به عنوان مثال شخصیت قصاب متفاوت از شخصیت پزشک است، لذا بعید نیست گفته شود که رشته های علمی نیز دارای این تفاوت هستند که فی الجمله قابل قبول است.



آثار وقایع اجتماعی

موقعیت‌های اجتماعی نیز این حالات را ایجاد می‌کند مانند فردی که یتیم است یا حوادثی که در کودکی برای فرد اتفاق افتاده است، بر رفتار و نگرش فرد تأثیراتی به دنبال خواهد داشت.

تأثیر علوم بر ایجاد وظایف

اما سؤال دوم در قبال این است که این تأثیرات، آیا در وظایف فرد نیز ایجاد می‌کند. مثلاً ممارست بر علوم ادبی فرد را به‌نوعی خودپسندی وامی‌دارد، لذا بر او واجب خواهد بود که از این آسیب پرهیز کند. همچنان که اگر جامعیت فقیه اگر بتواند در شکل‌گیری آثاری مؤثر باشد، برای او ایجاد وظیفه کند.

جمع‌بندی

این دو مبحث نیازمند و جای بسط بیشتری دارد و هر دو فی‌الجمله اموری مسلم است. سه مقدمه اخیر تحلیل و تدقیق بیشتری را می‌طلبد. در طول تاریخ مرجعیت، این‌گونه نبوده که اعلمیت فقهی تنها مؤثر باشد و حداقل ده عنوان دیگر در ابواب مختلف در این زمینه مؤثر بوده‌اند.

این‌طور که حاج‌آقا مرتضی حائری از پدرشان حاج عبدالکریم نقل کرده‌اند؛ مرحوم میرزای شیرازی بزرگ فرمودند اگر بین اعلمیت و اعقلیت اجتماعی تراحمی حاصل شد، اعقل را مقدم بدانید. طبیعت فقه، طبیعت پر رابطه ایست مخصوصاً با نگاهی که ما در مقدمات ترسیم نمودیم. لذا این مسأله نیازمند مذاقه بیشتری است.



تأثیر زمان و مکان بر اجتهاد

مقدمه دوازدهم، گرچه به بحثی می‌پردازد که تا حدی در عناوین قبلی وارد بود اما از آنجایی که در عصر ما و خصوصاً در کلام امام مورد تأیید بوده به آن مستقلاً می‌پردازیم و آن، نقش زمان و مکان در قبال اجتهاد است. این امری است که در اجتهاد شیعه وجود داشته و تحولات زمانی بر موضوعات تأثیر به خصوصی داشته است. لذا بخش زیادی از فقه درگیر مسائل خارجی است.

در عصر ما طبعاً حضرت امام از آنجایی که وارد حکومت شدند، از لسان ایشان صادر شد و کمک نمود این بحث دامنه بیشتری را پیدا کند. و از طرفی دیگر به دلیل مباحث روشنفکری است که در عصر ما به وجود آمده که بخشی از کلام آن‌ها به بحث زمان پرداخته شده است، لذا همه این امور کمک نمود که این بحث بیشتر جافتادگی پیدا کند.

ظاهراً چندین سال پیش همایشی تحت عنوان نقش زمان و مکان در اجتهاد با تأکید بر اندیشه امام بود که شامل مقالات و مصاحبات از شخصیت‌های معتبر بوده که حاصل آن نزدیک به پانزده جلد کتاب شد که برخی از مقالات آن واقعاً مثمر فائده است. در دنیای عرب نیز جست‌وگریخته بدان پرداخته شده است.

همه این امور باعث شد که این مقدمه به نحو مستقل بیان گردد.

مراد از زمان و مکان در این مقام

نکته دیگر در این مقام، این است که نقش زمان و مکان در اجتهاد دارای دو معنا است؛

در اینجا منظور بحث فلسفی آن نیست، بلکه مراد شرایط و اقتضاءات یک مقطع تاریخی و محدوده‌ای جغرافیایی است. این امور در پیدایش و سیری که در قبال ادیان وجود داشت نیز تأثیرگذار بود و یکی از عوامل مؤثر در نسخ دینی و آمدن دین جدید این امور بود که به دین اسلام ختم گردید.



مخرجات از بحث

نقش این دو در قبال متعلق و موضوع احکام

در اینجا نقش زمان و مکان در متعلق، موضوع و شرایط احکام نیز مدنظر نیست، چراکه احکام به دو گروه موقت و غیرموقت تقسیم می‌شوند. چراکه بسیاری از تکالیف هستند که زمان در آن‌ها شرط است مانند صلوات خمس، همچنان که این امر در مکان‌ها نیز وجود دارد چراکه برخی اعمال منوط به مکان خاصی است همانند حج که متوقف بر مکان خاصی است.

چراکه زمان و مکان فی‌نفسه در زمان و مکان تأثیرگذار هستند، مانند بیع خون که امروزه دارای منفعت محله شده است که در گذشته چندان قابل‌درک نبود. موضع حکم تغییر پیدا نمی‌کند بلکه این دو در مصادیق تصرف می‌کنند و یکی از مصادیق حکم دیگری قرار می‌دهد.

تأثیر در قبال نسخ و جعل شرایع

تأثیر زمان و مکان در جعل و نسخ شرایع نیز مراد نیست چراکه برخی از ادیان زمان مند و برخی مکان مند و برای منطقه‌ای خاص بوده است. نسخ در احکام شریعت نیز موردنظر نبود.